

تعویق بازپرداخت ها

دکتر محمدباقر صدری

مطالبت معوق بر جای گذاشته اند. چه عامل یا عواملی موجب بازپرداخت نکردن دیون شده و میزان معوقها را افزایش داده است. بر پایه گزارش سازمان بازرسی کل کشور، عوامل ایجاد چنین مسأله‌ای عبارتند از: رعایت نکردن مقررات در تنظیم قراردادهای، اخذ وثیقه ساده مانند چک افراد یا اسناد ملکی کم ارزش که با اعمال نفوذ در کارشناسان



یکی از مسائل عمده بانک‌های کشور پس از تصویب قانون بانکداری بدون ربا، تعویق در پرداخت بدهی‌ها یا نپرداختن اقساط یا تعلل در انجام تعهد تسهیلات گیرندگان از بانک‌ها است. این که چند درصد از این افراد یا واحدها به طور شرعی و قانونی به دلیل تغییر شرایط ضمن عقد قرارداد توان بازپرداخت ندارند و چه میزان

ارزش آنها را میلیارد تومانی اعلام کرده اند (غیرواقعی)، فقدان اطلاعات کافی از وضع تسهیلات گیرندگان، و به عبارت دیگر، فقدان بانک اطلاعات مشتری در بانک‌ها و... چرا با وجود پیشرفت فن‌آوری اطلاعات در جهان که آن را انقلاب اطلاعات و یا انفجار اطلاعات می‌نامند، همچنان اطلاعات کافی در اختیار بانک‌ها از جمله در بانک مرکزی از مشتریان به طور عام و تسهیلات گیرندگان به طور خاص وجود ندارد. ضروری است که این نقیصه مهم و اساسی در آینده جبران شود.

تعویق‌ها چندگانه‌اند:

- تسهیلات گیرنده به دلایل کاملاً منطقی (اقتصادی و مالی) توان بازپرداخت را ندارد که این خود دو نوع است:

پیش بینی نکردن درست طرح (گزارش تفصیلی و توجیهی طرح) یا اتفاقات خارج از قدرت تسهیلات گیرنده. می توان توسل به دامپینگ توسط برخی کشورها و ورود کالای قاچاق که کالاهای تولید مشابه را ارزان به فروش می‌رسانند، مثال زد.

- وجود نارسایی‌ها در مدیریت واحد تسهیلات گیرنده. این بخش که مهم ترین نقیصه است و حتی در گزارش سازمان بازرسی نیامده است، یکی از حلقه‌های مفقوده است که اگر مورد بررسی قرار گیرد می‌بینیم که به باور نگارنده تا ۵۰ درصد معوق‌ها با مدیریت ناکارآمد شکل گرفته‌اند. سئوالی که در این میان مطرح می‌شود، این است که تا کنون در رابطه با تعویق‌ها چه کرده ایم؟ واقعیت این است که وجود برخی حساسیت‌ها در جامعه و دولت به اشتغال و نرخ بیکاری بالا در کشور موجب می‌شود عده‌ای از افراد متأسفانه با علم به اینکه بانک‌ها توان اعمال قانونی با توجه به شرایط گفته شده را ندارند، در بازپرداخت‌ها عمداً تعلل می‌کنند.

یکی از دلایل افزایش تسهیلات و معوق‌ها در دولت نهم آن است که دولت با توجه به شرایط موجود و افزایش بهای نفت (که در ۸۶/۸۱۰ به ۹۶ دلار و نفت ایران به ۷۸ دلار رسیده است) سعی دارد از فرصت بهره گرفته هم طرح‌های اشتغال‌زا را اجرا کند و هم طرح‌های نیمه تمام را به اتمام

عمداً بازپرداخت‌ها را به تأخیر و تعویق می‌اندازند، هیچ پژوهشی انجام نگرفته است. این که بانک‌ها امین مردم، وکیل صاحبان سپرده‌ها و مالک ۱۵ درصد از سرمایه در اختیار هستند و بقیه تعلق به مردم دارند، در نظام بانکی کشور جا نیفتاده است. بانک مرکزی که باید جریان پول و سرمایه را در بانک‌ها نظارت و تنظیم کند، سال‌ها است که فقط در حوزه سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی بیشتر نظارت دارد و پژوهش و بررسی وضع بانک‌ها بازمانده است. شورای عالی بانک‌ها که عده‌ای تصور می‌کردند رقیب بانک مرکزی است، ولی در حقیقت می‌توانست یک مددکار بانک مرکزی باشد منحل شده است. از این پس باید دید که بانک مرکزی چه خواهد کرد؟

گرچه بحث ما معوقه‌های تسهیلات در بانک‌ها است، ولی در بررسی علل تعویق‌ها آشکارا می‌توان اهمال یا تعلل بانک مرکزی را مشاهده کرد. تعداد بخشنامه‌های صادره برای به تحرک و داشتن بانک‌ها با توجه به تعداد بانک‌ها و تسهیلات گیرندگان بسیار اندک است. سازمان بازرسی کل کشور که بر اساس اصل ۱۷۴ قانون اساسی برای حسن اجرای صحیح در دستگاه‌های دولتی و سایر نهادهایی که به هر میزان از بیت‌المال در آنها هزینه می‌شود، تشکیل شده است، در گزارش خود در مرداد ماه سال ۱۳۸۶ ضمن بیان میزان تسهیلات واگذار شده در سال‌های ۸۴، ۸۳ و ۸۵ که به ترتیب ۵۶، ۴۵۵ و ۷۲۷ هزار میلیارد تومان بوده است، معوق‌های آنها را نیز به ترتیب ۸۰، ۵۳ و ۱۱۲ هزار میلیارد تومان اعلام کرده است. در بررسی این ارقام مشخص می‌شود که با توجه به تلاش دولت نهم در کاهش سود بانکی، هم میزان تسهیلات واگذار شده در سال ۸۵ نسبت به سال ۸۳، دو برابر و معوق‌ها هم به همان نسبت دو برابر شده است؛ یعنی از ۵۳ هزار میلیارد تومان در سال ۸۳ به مبلغ ۱۱۲ هزار میلیارد تومان در سال ۸۵ رسیده است. می‌توان گفت که عده‌ای از حسن نیت دولت نهم بهره برده و ضمن دریافت تسهیلات بیشتر یعنی ۷۲۷ هزار میلیارد تومان در سال ۸۵، ۱۱۲ هزار میلیارد تومان، یعنی در حدود ۱۵ درصد کل تسهیلات،

برسانند. لذا با توجه به این گرایش و کاهش نرخ سود و تصور اینکه نرخ سود مجدداً کاهش می یابد و بر بدهی های قبلی نیز افزوده خواهد شد، از بازپرداختها طفره رفته‌اند. این طفره روی از فقدان اطلاعات نیز ناشی می‌شود - که به آن اشاره شد- که خود دلیل به عدم شفافیت حوزه مدیریت بانکها نیز است. کارشناسان معتقدند که جمع آوری اطلاعات شفاف و مستند درباره مشتریان می تواند در چرخش بهینه تسهیلات و بازپرداختها نقش مهمی ایفا کند. شایان ذکر است که بانک ها باید فقط در حوزه حساب مشتریان، و موجودی آن طبق قانون رازدار باشند. در بقیه حوزه به خصوص اطلاعات مربوط به مشتریان هم باید خودآگاه باشند و هم آنها را در اختیار پژوهشگران قرار دهند.

در این میان بانکهای کشور با معضل دیگری که تقریباً نوعی معوق است، سروکار دارند و آن طولانی شدن طرح های کشور است که به جای ۴ سال در سال های گذشته در ۱۲ سال و این اواخر در دولت هشتم به نه سال و طبق گزارش وزیر کشور در ۸۶/۸/۷ همایش استانداران به ۷ سال رسیده است. حتی رسیدن طرح ها به جای چهار سال به هفت سال، به مفهوم باز پرداخت نکردن دیون بانکی از یک سو و هدر دادن منابع از سوی دیگر است.

یکی از علل ناکارآمدی در حوزه بانک ها مربوط به این گونه تعویقها است. تعویق موجب می‌شود که قدرت تسهیلات دهی بانکها کاهش یابد. مفهوم این سخن آن است این گونه معوقها در حوزه تسهیلات در یک سو و تزریق منابع به طرح ها از سوی دیگر موجب اتلاف منابع شده و بازدهی سرمایه‌گذاری را کاهش و در عمل موجب افزایش نقدینگی و نیز افزایش تورم می‌شود.

حال که از شفافیت در مدیریت سخن گفتیم بد نیست اشاره کنم که فقدان شفافیت در گزارش مربوط به معوقها نیز مشاهده می‌شود. به طوری که سازمان بازرسی کل کشور- همان طوری که بیان شد- مجموعه معوقهای ۱۰ بانک دولتی را ۱۱ هزار میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان (معادل ۱۳ میلیارد دلار) اعلام کرده است. در حالی که اداره بررسی سیاستهای اقتصادی بانک مرکزی در گزارش اوایل تیر ماه ۸۶ این معوقها را بالغ بر ۱۰ هزار میلیارد و ۸۹۰ میلیون تومان محاسبه و اعلام کرده است. اختلاف رقم ۳۱۰ میلیون تومان معادل ۴۰۰ میلیون دلار می‌شود. متأسفانه این اختلاف در آمار دامنه خود را در رابطه با سایر آمارها گسترانده است. به نظر می‌رسد که بانک مرکزی بنا به دلایلی در تنگنای آمار و ارقام قرار گرفته است. به هر حال در مورد علل ایجاد مطالبات معوقه، مسائلی از نداشتن اطلاعات کافی و پیاپی بودن جریمه ۶ درصدی، عده‌ای در مقایسه، سود تسهیلات را نوعی مشوق می‌دانند، در این میان استمحال که توسط کمیته حمایت از صنایع در مورد تسهیلات داده می‌شود، نیز یکی از دلایل معوقها هستند. بسیاری از واحدها در موارد بروز مشکل به جای تلاش در حل و فصل مسأله، تقاضای استمحال می‌کنند و از این طریق مجدداً بانکها را در تنگنا قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد گروهی که توسط ریاست جمهوری مأمور برای اصلاح ساختار بانکها شده اند، باید به مسأله استمحال نیز

توجه کنند و به جای فرصت دادن به برخی که استمحال را بهانه ای برای مدیریت های خود می‌دانند، مسأله بیمه کردن تسهیلات را مورد توجه قرار دهند که این روش در تمام دنیا رواج دارد و صنعت بیمه در ایران متأسفانه هنوز آن طور که باید، در تمام شئون از جمله سرمایه گذاری ها و اخذ تسهیلات نقش آفرین شوند، نشده اند. اگر شرکت های بیمه میزان تسهیلات اخذ شده را طبق شرایط جهانی بیمه کنند، می‌توانند قدرت مدیریت و تسهیلات دهی بانک ها را افزایش دهند و بستر مناسبی را فراهم کنند تا بانک ها به عنوان موتور محرکه اقتصاد تمام توان خود را صرف توسعه و پیشرفت کشور کنند. در این میان که به باور نگارنده دروضع مطالبات معوقه نقش مؤثری دارد، بررسی قراردادهایی است که بانک ها طبق عقود اسلامی موجود منعقد کرده اند. واقعیت این است که هنوز آن چنان که لازم است در رابطه با عقود اسلامی فرهنگ سازی نشده است. از این رو ضرورت دارد که این عقود به طور شفاف و ساده به کارکنان بانک ها که مسئولیت اعتبار، وام، تسهیلات، عقد قراردادها و... را بر عهده دارند، آموزش داده شود. این آموزش باید به تسهیلات گیرندگان نیز گسترش یابد تا تسهیلات گیرندگان به وظیفه شرعی و قانونی خود واقف شوند، از این رو پیشنهاد می‌شود که کمیته اصلاح رفتاربانکی و کمیته اصلاح ساختار بانکی- همان طوری که به آن اشاره شد- گروهی از کارشناسان اقتصادی، بانکی و پولی و همچنین کارشناسانی که از عقود شرعی آگاهی دارند گرد هم آیند و فرآیند زمانی از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۶ را که نظام بانکداری اسلامی اجرا شده است، مورد توجه قرار دهند و نکات قوت و ضعف را آشکار سازند. به اعتقاد نگارنده، عقود موجود توان پاسخگویی کامل را دارند. ساده و شفاف کردن قراردادها براساس عقود هم به نفع بانک ها و هم به نفع مردم است. این گروه می‌تواند در کنار گروه اصلاح رفتار و ساختار بانک ها قانون موجود را مورد توجه قرار دهد و چنانچه موادی از قانون نیازمند تفسیر باشد، آن را به صورت لایحه قانونی به مجلس شورای اسلامی ارائه دهند. دقت شود که شرایط پیرامونی و شرایط منطقه به گونه ای است که نمی‌توان به بهانه اصلاح قانون یا اجرای عقود جدید تنزلزی در ارکان بانکداری کشور به وجود آورد. تمام تلاش ها باید در تقویت بانک ها به کار رود تا بتوانند به وظایف قانونی خود عمل کنند. هر چه قوانین و مقررات ساده و استوار باشند، می‌توانند در سلامتی چرخش مدیریت نظام بانکی کشور مؤثر باشند. باید شرایط را طوری فراهم کرد تا از نتیجه تلاش ها، کوشش ها و مدیریت ها بهره وری بیشتری به دست آید. نادیده گرفتن خدمات صادقانه می‌تواند اراده مدیران صالح و صادق را سست کند. علاوه بر آن، بخش نظارت بر بانک ها باید به گونه ای فعال و شفاف باشد تا از هرگونه خطا و لغزش ممانعت به عمل آورد. بی تردید قدرتمندی نظام بانکی کشور به قدرتمندی اقتصاد کشور منجر خواهد شد و می‌تواند در شرایطی که درآمدهای نفتی افزایش می‌یابد، ضمن ذخیره سازی بهینه و افزایش موجودی حساب ذخیره ارزی رشد اقتصادی بالاتر از ۸ درصد توأم با عدالت اجتماعی را به ارمغان آورد.